

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۲۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

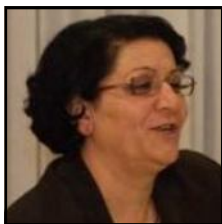
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدل گلپریان

چهار شنبه ها منتشر میشود

۶ مرداد ۱۳۸۹، ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۰

روز جهانی سکینه: یک موفقیت پیام کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت برگزاری روز جهانی سکینه



مینا احدی

تظاهرات از آمریکا ، کانادا و
برزیل تا فرانسه، آلمان، سوئد، نروژ،
صفحه ۲

کمیته بین المللی علیه اعدام و
کمیته بین المللی علیه سنگسار به
هزاران نفری که در سراسر دنیا در
اعتراض جهانی به اعدام و سنگسار
شرکت و طومارهای اعتراضی برای
نجات جان سکینه را امضا کردند
تبرک می گوید. مردان و زنان در ۳۲
شهر جهان به خیابانها آمدند تا
نشان دهند رفتار وحشیانه نسبت به
مردم در هیچ جای جهان را
نمی پذیرند.



Iran Solidarity
www.iransolidarity.org.uk
International Committee
Against Execution
www.notonomoreexecution.org
International Committee
Against Stoning
www.stopstoningnow.com

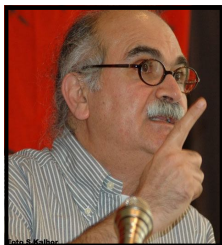
برای آزادی کارگران زندانی



عبدل گلپریان

رژیم جمهوری اسلامی به
قدمت حیات ننگینش ناقل
فقر، فلاکت، زندان و کشتن برای
یک جامعه ۸۰ میلیونی بوده
است. کارگران و خانواده های
کارگری مورد بیشترین
تهاجمات اقتصادی، سیاسی و
اجتماعی قرار دارند. مبارزه
کارگران برای گرفتن حقوق
انسانی خود با زندان، تهدید،
آزار و اذیت پاسخ گرفته است.
سرمایه داران، مفت خوران و
حکومت حامی آنها، زندگی
کارگران و خانواده های کارگری
را گرو گرفته و به انجا مختلف
آنان را تحت پیگرد، بازداشت و
زندانی کردن قرار داده اند.
حکومت جنایتکار اسلامی
خوب می داند که با به حرکت
درآمدن جنبش کارگری و بسیج
بخشهای مختلف جامعه،
اعتراض و اعتصابات گسترده
کل جامعه، پرونده حاکمیت
پوسیده اش بسته خواهد شد.
میداند که فعالین و چهره های
شناخته شده جنبش کارگری،
صفحه ۲

مقدسات ملی - مذهبی و آزادیهای بیقید و شرط



حمید تقوایی

و تبصره ها استفاده کرده اند تا کل
آزادی را از مخالفین و منتقدین خود
سلب کنند. در همه جوامع و بویژه
در جوامع استبداد زده ای نظیر ایران
همواره با توسل به یک سری
مقدسات و تابوها سرآزادی را بریده
اند.

آل و اصل انتزاعی نیست بلکه یک
ضرورت عملی برای پاسداری از
نفس آزادی است. آزادی مشروط،
آزادی نیست. آزادی که با تبصره و
اما و اگر همراه باشد راه نفی و سلب
خود را هموار کرده است. عملا
دولتها همیشه از این شرط و شروط

ما خواهان وسیع ترین و جامع
ترین آزادیهای سیاسی و مدنی
هستیم. آزادی بی قید و شرط
عقیده، بیان، اجتماعات،
مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب،
تشکل و تحزب. تاکید بر بیقید و
شرط بودن این آزادیها صرفا یک ایده

صفحه ۳

آخرین اخبار از کارگران زندانی: کارگر زندانی آزاد باید گردد

دنده و پای او شکسته است. از
آزمون تا امروز خبری از او در دست
نیست. علیرغم مراجعات هر روزه
همسرش، به آنها پاسخی داده
نمیشود و مقامات زندان اظهار بی
اطلاعی کامل میکنند. خانواده
وی بشدت نگران بهنام هستند.
مادر و برادر بهنام در ۳ مرداد طی

بعد از ۴۴ روز بازداشت هیچ
خبری از بهنام ابراهیم زاده در دست
نیست. بهنام ابراهیم زاده فعال
کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک
در ۲۲ خرداد دستگیر شد و
همانطور که قبلا نیز گزارش
کردیم در همان تماس روز اول از
بهداری زندان خبر داد که مورد
ضرب و شتم شدیدی قرار گرفته و دو

صفحه ۲

نقش منصور حکمت در مبارزه مسلحانه در کردستان
مصاحبه با یدی محمودی (بخش دوم)

صفحه ۴

نگرانی از وضعیت بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس و
فعال حقوق کودک و جمعیت دفاع از حقوق کار

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ برای آزادی کارگران ...

آخرین اخبار از کارگران زندانی: کارگر زندانی آزاد باید گردد

از صفحه ۱

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" همه کارگران، معلمان، دانشجویان و کل جامعه را به مبارزه ای متحد علیه این فشارها و برای آزادی فوری کارگران زندانی از زندان فرا میخواند.

"کمپین برای آزادی کارگران" برای آزادی تمامی کارگران از زندان تلاش میکنند و همگان را به پیوستن به این کمپین فرا میخواند.

کارگزندان، زندانی سیاسی
آزادی باید گردد
کمپین برای
زادی کارگران زندانی
۴ مرداد ۱۳۸۸
۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
Shahla.Daneshfar@yahoo.com
آدرس ایمیل
جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه
محافظة شده اند، جهت مشاهده
آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا
اسکرپت دارید

بهرام سروش:
۰۰۴۷۸۵۲۳۳۸۳۳۴
Bahram.Soroush@gmail.com
آدرس ایمیل
جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه
محافظة شده اند، جهت مشاهده
آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا
اسکرپت دارید

<http://free-them-now.blogspot.com>

زندان و سرکوب را روی سرشان نگاهدارند. از جمله هم اکنون سعید ترابیانی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد که در تاریخ ۲۹ تیر پس از ۴۲ روز بازداشت، زیر فشار اعتراض و همبستگی جهانی کارگری با قید وثیقه از زندان آزاد شد، توسط حراست شرکت واحد از بازگشت مجدد وی به کار جلوگیری شده است. به همین صورت ۶ عضو سندیکای نیشکر هفت تپه نیز مرتباً زیر فشار قرار دارند. در نیشکر هفت تپه حراست این کارخانه این کارگران را بعد از آزاد شدن از زندان از کار اخراج کرده و حتی فریدون نیکوفر را زیر فشار قرار داده است که منزل سازمانی را تخلیه کند و اگر این کار را انجام ندهد، وسایلش را به خیابان خواهند ریخت و بیشرمانه شرط بازگشت به کار این کارگران را "توبه" کردن از فعالیت برای سندیکا و محکوم کردن آن، اعلام کرده اند. کارگران سندیکای واحد، کارگران نیشکر هفته تپه همواره در برابر این فشارها ایستاده و حق تشکیل و اعتصاب را حقوق پایه ای خود اعلام داشته اند.

جمهوری اسلامی، فعالین کارگری را زیر فشار گذاشته است، تا تشکل های آنها را که ظرف اتحاد و مبارزه کارگران است، در هم شکند. این کارگران را زیر فشار گذاشته است تا مانع اتحاد و مبارزات سازمانیافته کارگران شود. باید با تمام قدرت در مقابل این فشارها ایستاد.

نامه ای به انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان طلب کمک کردند. اکنون با گذشت روزهای بیشتر، نگرانی خانواده او و همکارانش از وضعیت بهنام بیشتر شده است.

- رضا شهبانی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد از ۲۲ خرداد در زندان است و جز دو تماس با خانواده اش خبری از او نیست.

- مهدی فراهی شاندیز از فعالین کارگری از ۱۴ خرداد در زندان است و مادر او نیز طی نامه ای به نهادهای بین المللی خواست آزادی فرزندش از زندان را و حمایت جهانی را اعلام داشت.

- منصور اسانلو و ابراهیم مددی نیز همچنان در زندانند و علیرغم اینکه ۴ سال از زندانی بودن منصور اسانلو میگذارد و علیرغم اینکه در گزارشات غیر رسمی و تحت فشار اعتراضات جهانی قول آزادی وی از سوی وزیر کار جمهوری اسلامی داده شده بود، اخیراً وی را دوباره به دادگاهشان احضار کردند.

این درحالیست که خانواده های این کارگران نیز زیر فشار هستند و علیرغم مراجعات مکررشان به آنها پاسخی داده نمیشود. همچنین کارگرانی که به قید وثیقه از زندان آزاد میشوند، زیر فشار اخراج از کار قرار دارند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل داده اند که هر وقت که خواستند به دادگاه احضارشان کنند و چماق

خواسته اند که به هر طریق ممکن و برای آزادی کارگران زندانی با این کمپین همراه شده و آنرا تقویت کنند.

کمک به این کمپین می تواند گامهای مثبتی در جهت آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشد. تمام بخشهای مختلف جامعه، کارگران، دانشجویان معلمان این کمپین را باید تقویت کرده و کمک کنند. راههای مختلفی برای همگام شدن با این کمپین وجود دارد. از طومار اعتراضی جمع کردن گرفته تا تجمع و اعتراض بویژه از سوی خانواده های کارگری، از کشاندن اخبار کارگران زندانی به رسانه های عمومی تا جلب همکاری و افکار عمومی در راستای این کمپین و راههای مختلف دیگری از این دست می تواند حکومت ضد بشری جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد تا این عزیزان بتوانند از زندان آزاد شده و به میان خانواده و فرزندان خود برگردند. این کمپین را به هر شکل و شیوه ای باید ادامه داد و کمک کرد تا به هدف خود که آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است دست یابد.

شخصیتهای محبوب در میان کارگران و مردم هستند. طی یکسال اخیر افزایش فشار و اذیت و آزار فعالین کارگری جزئی از سیاست ضد انسانی رژیم اسلامی بوده است. هم اکنون تعدادی از فعالین و رهبران کارگری در زندانهای حکومت اسلامی اسیر هستند.

رضا ترابیانی، ابراهیم مددی و منصور اسانلو از رهبران سرشناس شرکت واحد در زندان جمهوری اسلامی گرفتارند. علاوه بر اینها تعدادی از معلمان ماههاست که در زندانهای حکومت اسلامی بسر می برند.

در شهرهای کردستان نیز فشار و تهدید فعالین کارگری از اتحادیه آزاد کارگران ایران، صدیق کریمی و فواد کیخسروی مورد بازجویی، آزار و اذیت و محاکمه قرار دارند. همچنین فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری مدام تحت بازجویی هستند یا به زندان افکنده شده اند.

در همین رابطه کمپینی برای آزادی کارگران زندانی اعلام شده است که فعالین و چهره های شناخته شده ای آنرا امضا کرده و از همگان

روز جهانی سکینه: یک موفقیت ...

از صفحه ۱

مردم اعلام کردند که اجازه نخواهند داد سکینه و یا هر کس دیگری سنگسار و یا اعدام شود. ما تنها از طریق نیروی متحد مردم می توانیم رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کنیم و به سنگسار و اعدام خاتمه دهیم.

سکینه و فرزندانش امیدوارند که این جنبش هر چه قوی تر شود و به آزادی سکینه کمک کند. این روز موفقیت آمیز گام موثری در تشدید مبارزه برای آزادی سکینه و همچنین علیه سنگسار و اعدام و جمهوری اسلامی خواهد بود.

ایتالیا، انگلستان، هلند، گرجستان و استرالیا را در بر گرفت. هزاران نفر در حالیکه عکس های سکینه و باندرولهای در مخالفت با اعدام و سنگسار را در دست داشتند به خیابان آمدند. در این تظاهرات ها همچنین نمایش هایی علیه سنگسار داده شد و در برخی از آنها روسری ها در انتظار عموم به آتش کشیده شد. رسانه های بین المللی با دست اندرکاران و فعالین تظاهرات ها مصاحبه کردند. تلویزیون ها و رادیوهای مختلفی از صحنه های چندین تظاهرات رپورتاژهای زنده تهیه و پخش کردند.

مینا احدی

سختگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار (ICAS) و کمیته بین المللی علیه اعدام (ICAE) ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰ (۳ مرداد ۱۳۸۹)

روز جهانی سکینه یک روز مهم برای همه ما بود. مردم از کشورهای مختلف جهان حمایت خود را از سکینه محمملی آشتیانی و فرزندانش نشان دادند. در این روز



مقدسات ملی - مذهبی و آزادیهای ...

ما با تاکید بر بی قید و شرط بودن آزادی در واقع اعلام میکنیم که دولت و هیچ اتوریته دیگری در جامعه به بهانه و تحت پوشش هیچ نوع مقدساتی نمیتواند و حق ندارد آزادیهای سیاسی و مدنی را سلب و یا محدود کند.

اصلی ترین و رایج ترین منبع تولید این نوع مقدسات آزادی کش، مذهب و ملیت است. مذهب عامل قدیمی تر و مزمن تری است اما در دوره ما ناسیونالیسم و تعصبات ملی (که معمولاً با قوم گرایی و نژاد پرستی کمی خجول و پوشیده نیز همراه است) شیوع بیشتری دارد. ناسیونالیسم آیدمی و بیماری شایع دوران جدید، دوره سرمایه داری است که در همه جوامع عصر ما، حتی در پیشرفته ترین کشورها، بیداد میکند. در همه فرهنگهای "ملی" تعصبات ناسیونالیستی، پرچم و آب و خاک و تمامیت ارضی و تاریخ نیاکان و قهرمانان ملی - که معمولاً شاهان و حاکمان مهاجم و تجاوز گر به ملت‌های دیگرند - برتر دانستن و ترجیح دادن "وطن" و "ملت" خود بر "جانب" و "بیگانگان"، جزء تابوها و مقدسات مسلم و بدیهی محسوب میشود و هر نوع زیر سؤال بردن و به نقد کشیدن این مقدسات امری مذموم و ضد اخلاقی و خیانت به وطن و غیره بشمار می آید که یا قانوناً ممنوع است و یا عملاً با سرکوب و انواع محدودیتهای مواجه میشود.

واقعیت آنستکه تعصبات و تابوها و دگمهای ناسیونالیستی در همه کشورها - اعم از پیشرفته و عقب مانده - یکی از مهمترین ابزارهای سلطه سیاسی طبقه سرمایه دار، یک اقلیت ناچیز صاحب ثروت و سرمایه، بر کل مردم است. مقلوبه ملت به طبقه حاکمه اجازه میدهد دولت و حاکمیت خود را فراطبقاتی جلوه بدهد و منافع طبقه خود را منافع کل "ملت" جا بزند. این توسل به ملت و ملیت و باد زدن به هویت ملی و مقدسات ملی بویژه در جنگ‌هایی که دولتهای سرمایه داری برای حفظ و بسط منافع طبقه حاکمه هر کشور در رقابت با سرمایه

داران کشورهای دیگر برپا میکنند و در توجیه کشتار و توحش و جنایات جنگی برای مردمی که هیچ منفعتی در این جنایات ندارند نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند.

اما فواید ناسیونالیسم برای طبقه حاکمه تنها به دوره جنگ محدود نیست، مینا و مضمون همه مقدسات و تعصبات ناسیونالیستی در جنگ و صلح جا زدن منافع یک اقلیت مفتخور بعنوان منافع کل مردم است. از همین روست که در تمام کشورها نه تنها هر نوع نقد و افشای ناسیونالیسم و تعصبات و "ارزشهای" ملی غیرقانونی و یا در بهترین حالت مذموم و غیر اخلاقی تلقی میشود بلکه تابوها و تعصبات ناسیونالیستی عملاً غل و زنجیری به پای کل آزادیها و هر نوع نقد و اعتراضی است. در همه کشورها خیانت به وطن، توهین به مقدسات ملی، عامل بیگانه و غیره از رایج ترین و وجیه المله ترین اتهامات برای خفه کردن صدای هر نوع مخالفتی است. و از همین رو باید تاکید کرد که برسمیت نشناختن و در هم شکستن تابوها و دگمها و مقدسات ملی و ناسیونالیستی یکی از پیش شرطهای مهم تضمین آزادیهای سیاسی و مدنی در همه زمینه‌ها است.

مانع اساسی دیگر در برابر آزادی، مذهب است. مذهب قدمت و سابقه سرکوب و عوامفریبی طولانیتری از ناسیونالیسم دارد. در تمام دوران سیاه قرون وسطی مذهب دست در دست اشراف و دربار هر نوع آزاد اندیشی و خلاقیت و شکوفائی فکری را با شکنجه و اعدام و سنگسار و زنده در آتش سوزاندن پاسخ میداد. و امروز هم در هر جامعه ای هر اندازه مذهب مسلط باشد - در حاکمیت و دولت و یا در قوانین و یا حتی بعنوان یک امر فرهنگی و عقیدتی و یک سیستم اخلاقی و ارزشی - به همان اندازه محدودیتی بر سر راه آزادی و رشد و خلاقیت فکری و ذهنی است.

تاریخاً مبارزه برای آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی با رنسانس

ضد مذهبی در اروپا آغاز شد و در عصر روشنگری به اوج خود رسید. پیشرفت هنری و فرهنگی و علمی و فلسفی در گرو این بود که دگمها و مقدسات و تابوهای مذهبی در هم شکسته شود و آزادی نقد و اعتراض و انتقاد به مذهب در محور مبارزه برای آزادیهای مدنی و سیاسی قرار داشت. در این نبرد مذهب با قساوت تمام از قدرت و سلطه خودش دفاع کرد. جوردانو برونو را زنده در آتش سوزاند و گالیله را به توبه واداشت و هزاران آزاد اندیش دیگر را بجرم کفر و الحاد سر برید اما در نهایت به عقب رانده شد و در بسیاری از کشورهای غربی دست مذهب از قدرت سیاسی قطع شد. اما بورژوازی تازه بقدرت رسیده بسرعت دریافت که میتواند خود مذهب را برای در انقیاد نگهداشتن توده مردم بکار بگیرد و از همان مقطع کمون پاریس "کفر و الحاد" چماقی شد بر سر کارگران معترض و انقلابی و بعد هم کمونیست‌های پرچمدار سیاسی کارگران در مبارزه علیه وضع موجود بودند. به این ترتیب در جوامع امروزی مجموعه ای از مقدسات ملی و مذهبی جزء زرادخانه طبقه حاکمه و دولتهایشان برای سرکوب آزادیها است. و در مقابل مبارزه برای آزادیهای بی قید و شرط، و نقد و افشای مذهب و ناسیونالیسم و جوهر ضد انسانی دستگاه فکری و "ارزشهای" و تابوهای ملی و مذهبی امر طبقه کارگر و کمونیست‌ها است.

ما کمونیست‌ها خواهان یک جامعه سکولار به معنای وسیع و

عمیق کلمه و یک جامعه بری از تعصبات و تعلقات ناسیونالیستی هستیم. ما برای آزادی نقد مذهب و آزادی نقد ناسیونالیسم و کلا آزادی نقد هر نوع تابو و مقدسات مبارزه میکنیم. آزادی نقد مذهب و ناسیونالیسم یک رکن اساسی تضمین آزادیهای بی قید و شرط است.

از سوی دیگر ما خواهان محدود کردن آزادی هیچ نوع تفکر و عقیده ای حتی افراطی ترین عقاید مذهبی و ناسیونالیستی نیستیم. همه باید در نشر عقایدشان کاملاً آزاد باشند. ما خواهان محدود شدن آزادی تبلیغات ناسیونالیستی و مذهبی نیستیم بلکه تنها میخواهیم نقد این عقاید نیز آزاد باشد. آزادی نشر همه عقاید کاملاً به نفع ما، به نفع ما کمونیست‌ها و کارگران و محرومانی است که در تمام طول تاریخ به بهانه توهین به مقدسات ملی و مذهبی سرکوبشان کرده اند و زیانشان را بریده اند. مذهبیون، پاپ و اسقفها و کشیشها و خاخامها و آخوندها و آیت الله‌ها همیشه از حق نشر نظرات و استفاده از بهترین تریبون‌ها و امکانات برای تبلیغ خرافاتشان برخوردار بوده اند. ناسیونالیسم نیز همیشه یک جزء اصلی تبلیغات همه دولتها بوده است. آنچه هیچگاه آزاد نبوده و در همه کشورها با اتکا به قانون و یا بزور تابوها و دگمهای اخلاقی جلو آنرا گرفته اند انتقاد از مذهب و ناسیونالیسم بوده است. جامعه آزاد به معنای واقعی کلمه جامعه ایست که در آن نقد فکری و علمی و هنری مذهب آزاد باشد. مردم، نویسندگان، شاعران، فیلمبرداران،

طنز نویسندگان باید حق داشته باشند هر چه میخواهند در نقد مقدسات مذهبی و ملی و هر نوع مقدسات دیگری بنویسند و بخوانند و بسازند. دولت نباید و حق ندارد بعنوان کلید دار حقیقت و اخلاقیات و ارزشها در جامعه ظاهر شود. فکر و علم و فلسفه و هنر رسمی ندارند. مذهب رسمی و نژاد و ملیت و زبان رسمی هم نداریم. حقیقت، منافع عمومی مردم و خیر و صلاح جامعه وقتی پاسداری و رعایت و تامین میشود که همه بتوانند بگویند و بنویسند و نقد و بحث و جدل فکری کنند.

و بالاخره تنها در یک جامعه سوسیالیستی، جامعه ای انسانی که در آن از تبعیض طبقاتی خبری نباشد آزادیهای سیاسی و مدنی میتواند به جامع ترین و وسیع ترین شکل متحقق شود. همانطور که در بالا اشاره شد مذهب و ناسیونالیسم دو عامل مهمی بوده اند که در طول تاریخ برای حفظ منافع طبقه حاکمه، یعنی یک اقلیت ناچیز، تحت لوای دفاع از منافع مردم بکار گرفته شده اند. در نظام سوسیالیستی با خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکمه و بنا کردن و سازمان دادن تولید اجتماعی بر مبنای نه سود و سود آوری بلکه تامین رفاه همه مردم در پایه ای ترین سطح، ضرورت بقای مذهب و ناسیونالیسم و هر نوع مقدسات مسخ کننده انسان از بین خواهد رفت. نظامی که خود مردم بر سرنوشته سیاسی خود حاکم باشند نه نیازی به تعصبات و مقدسات ملی و قومی و مذهبی خواهد داشت و نه نیازی به محدود کردن آزادیها.*

از طریق سایت‌های زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
می‌توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
حزب کمونیست کارگری ایران
آرشیو عمومی منصور حکمت
www.hekmat.public-archive.net



دید و به نقد آنها می نشست کسی و یا گرایش منسجمی نبود که در مقابل او و گرایش کمونیسم کارگری قد علم کند.

تنها در دوره کوتاهی پس از بحثهای درونی حزب کمونیست ایران بود که بالاخره گرایش راست در کومه له و حزب کمونیست ایران دست به تقلاهایی زد؛ که آنهم نه مثل آنچنان که امروز جریانات ناسیونالیستی که از کومه له جدا شده اند رسماً و علناً خود را گروههای قومی و ناسیونالیستی می نامند، بلکه بیشتر اینها مشغول کارشکنی، پیش نبردن طرحهای مصوبه ارگانهای حزبی در زمینه های مختلف و یا آوردن قطعنامه های بود که اگر در آن دوره در حزب کمونیست ایران تصویب می شد ما باید "دنبال دوستان خود در اتحادیه میهنی می گشتیم" تا کمک و یاری به شکل گیری کمونیسم منسجم، مستقل و متحزب در عراق. جریانات چپ و کمونیستی در عراق همان دوره خود را با منصور حکمت و کمونیسم کارگری تداعی می کردند.

له چنان عقب نشینی کرده بود که کسی تمایلی برای دفاع آشکار از آنان را نداشت. در ضمن دیگر حربه توده ها دوست ندارند هم کارایی خودش را از دست داده بود. به نظر من این را در پراتیک روزمره هم می دیدیم که ما به هر اندازه بند ناف خود را از سنتها و باورهای ارتجاعی و عقب مانده در کردستان و سنتهای ناسیونالیسم کرد می بریدیم به همان اندازه در میان توده های کارگر و زحمتکش، کومه له به سازمانی محبوتر و قابل اتکاتر تبدیل می شد.

ناصر اصغری: برخورد گرایش ناسیونالیستی در کومه له به این بحثها چگونه بود؟ مخالفتهای خود را به چه شیوه هایی ابراز می کردند؟

یدی محمودی: تا حدودی به توجیهاتشان در سؤال بالا اشاره کردم. برخوردها در دوره های مختلف متفاوت بود. مثلاً در دوره ای گرایش ناسیونالیستی درون کومه له عملاً نظراتش و عملکردش کل تشکیلات را احاطه کرده بود. اما با ورود منصور حکمت و رفقای اتحاد مبارزان کمونیست به کردستان و بعداً تشکیل حزب کمونیست ایران، دیگر ما شاهد دگرگونیهای محسوس در تشکیلات کومه له بودیم که عملاً ناسیونالیسم کرد هیچگاه نتوانست علناً در صفوف کومه له سخنگویی پیدا کند. حتی آنجا هم که منصور حکمت رد پای این گرایش را در ممانعت از پیش بردن طرحها و نقشه های خود می

نقش منصور حکمت در مبارزه مسلحانه در کردستان مصاحبه با یدی محمودی

(بخش دوم)

زنان کمونیستی که به صف مبارزه علنی کومه له پیوسته بودند و دوشادوش مردان در جبهه های مختلف از جمله در جویله های نظامی و عملیاتها علیه رژیم شرکت می کردند تا مدتها بلا استثنا همگی باید یا روسری داشتند و یا از چفیه استفاده می کردند. تا سالها سیگار کشیدن زنان در میان مردم یا ممنوع بود و یا عملاً فضا طوری بود که آنرا برای زنان واقعا سخت می کرد که آزادانه مثلاً در حضور مردان سیگار بکشند! در برخورد به روابط عاطفی و رابطه آزاد و برابر بین انسانها هم متاسفانه ما شاهد برخوردهای بسیار عقب مانده و ارتجاعی بودیم که باز متاسفانه در چنان فضای تعدادی هم بخاطر همین برخوردها جان خود را از دست دادند و یا مجبور می شدند صف کومه له را ترک کنند.

همه اینها همانطوری که گفتم به شیوه های مختلف توجیه می شد. از جمله اینکه فرهنگ مردم پایین است؛ توده ها قبول نمی کنند! و حتی مواردی از ترس اینکه نکنند حزب دمکرات و مرتجعین محلی علیه ما دست به تبلیغات بزنند! تلاشهای بی وقفه منصور حکمت و بخصوص بعد از کنگره شش کومه له تقریباً می توان گفت که دیگر از روابط و مناسبات قبلی و عقب مانده خبری نبود. و گرایش عقب مانده ناسیونالیستی در کومه

له بودند و توسط جمهوری اسلامی دستگیر و یا اسیر می شدند، کومه له همان برخورد سنتی را داشت و آنان که توسط یک حکومت وحشی و جنایتکار در اوج قضاوت و بی رحمی مورد شدیدترین شکنجه های روحی، جسمی و خانوادگی قرار می گرفتند، کومه له به جای مقصر دانستن رژیم که این چنین آنان را خورد می کند و افشای این شیوه های قرون وسطایی رژیم، عملاً خود کسانی را مقصر می دانست که توسط رژیم خورد شده بودند، و گاهی حاضر به همکاری با رژیم می شدند. سال ۶۱ و یا ۶۲ یادم می آید که تعدادی از کادرهای کومه له به تلویزیون کشیده شدند و یکی از رهبران کومه له در آن دوره مطلبی تحت عنوان "روزه توایین" در یکی از نشریات کومه له نوشت. منصور حکمت همان موقع در یک نشریه مخصوص بحثهای داخلی این شیوه برخورد به قربانیان جمهوری اسلامی را نقد کرد و با استقبال گرمی نیز روبرو شد.

برخورد به زنان مسلح نیروی نظامی کومه له هم، گرچه کومه له جزو اولین سازمانهای سیاسی چپ ایران بود که در سطح وسیعی و علنی زنان را مسلح کرد، اما این درجه پیشروی تا برخوردی برابرطلبانه به مسئله زنان و تسلیم سنن و عقاید عقب افتاده نشدن فرسنگها فاصله داشت. مثلاً همین



یدی محمودی

ناصر اصغری: گفتید که با بحثهای منصور حکمت برخورد تشکیلات کومه له به اعضا و هواداران و برخورد به زنان مسلحی که در صفوف کومه له بودند عوض شد. می خواهم این را برایمان توضیح بدهید. اینکه نگاه و برخورد تشکیلات کومه له قبل از مطرح شدن بحثهای منصور حکمت چگونه بود و بعد از مطرح شدن این بحثها چه تغییرات محسوس ایجاد شد.

یدی محمودی: همچنانکه در مصاحبه قبلی گفتم، به نظر من برخورد کومه له به تمام پدیدهایی که تا قبل از بحثهای منصور حکمت به نظر عادی و نرمال می رسیدند با بحثهای منصور حکمت دچار تغییرات عمیقی به نفع جبهه آزادیخواهی، برابری طلبی و در یک کلام بریدن از سنتهای ناسیونالیستی تا آزمون مبارزه مسلحانه در کردستان شد. در زمینه برخورد به افرادی که هوادار یا از فعالین کومه

اعتراضی خود رژیم اسلامی را تحت فشار قرار بدهند که بهنام ابراهیم زاده را سریعاً از زندان آزاد کنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۵ مرداد ۱۳۸۹
۲۷ جولای ۲۰۱۰



جسمی اش گفته است. بهنام از زمان دستگیری تا حال در بلاتکلیفی و در وضعیت نامعلومی بسر میبرد.

کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت بهنام ابراهیم زاده، از تمامی سازمانها و افراد بشردوست خواسته است که با نامه های

ضرب و شتم قرار گرفت. در اثر این ضرب و شتم وی از ناحیه پا و قفسه سینه دچار شکستگی استخوان شد. در ابتدا به خانواده بهنام گفته بودند که وی در بند هفت زندان اوین بسر میبرد اما به خانواده اش اجازه ملاقات داده نشده بود. بهنام در تماس کوتاه تلفنی که با خانواده اش در ابتدای دستگیری داشت از درد قفسه سینه و وضعیت نامناسب

نگرانی از وضعیت بهنام ابراهیم زاده و بلاگ نویسی و فعال حقوق کودک و جمعیت دفاع از حقوق کار

مزوران رژیم از دادن اطلاعات به آنها در مورد محل نگهداری بهنام خودداری کرده اند.

بهنام ابراهیم زاده در تاریخ ۲۲ خرداد دستگیر شده و بشدت مورد

بنابر گزارش رسیده از وضعیت بهنام ابراهیم زاده و بلاگ نویسی و فعال حقوق کودک و جمعیت دفاع از حقوق کار خبری در دست نیست. در تاریخ ۱ مرداد خانواده بهنام به زندان اوین مراجعه کردند اما

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

اخباری از شهرهای کردستان

عدم برگزاری جلسه دادگاهی هفت تن از اعضای کمیته هماهنگی



در پی احضار هفت تن از کارگران و از اعضای کمیته هماهنگی از طرف دادگاه انقلاب ارومیه در تاریخ ۸۹/۴/۱۱ و اعلام به نامبردگان مبنی بر اینکه در تاریخ ۸۹/۵/۲ جهت اعلام حکم به دادگاه مراجعه نمایند، این کارگران به نام های فتاح سلیمانی - حسین پیروتی - صمد احمد پور - رحمان تنها -

رحمان ابراهیم زاده - عیسی ابراهیم زاده و عباس هاشم پور ساکن اشنویه در تاریخ ۸۹/۵/۲ برابر احضاریه ای که از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه به دستشان رسیده بود به همراه آقای فریدون احمدی که وکالت ایشان را به عهده دارد در ساعت تعیین شده در دادگاه حاضر شدند اما به دلیل عدم حضور قاضی، جلسه دادگاه برگزار نشد و به ایشان اعلام شد در تاریخ ۸۹/۵/۱۰ مجدداً به دادگاه انقلاب ارومیه مراجعه نمایند.

قابل ذکر است که نامبردگان در تاریخ ۸۸/۱۲/۸ بازداشت شده و پس از گذراندن ۱۲ روز در زندان ارومیه با وثیقه از زندان آزاد شدند.

کارگران سد زاوه برای چندمین بار متوالی دست به اعتصاب زدند



کارگران سد زاوه برای چندمین بار متوالی دست به اعتصاب زدند. این کارگران در روزهای گذشته نیز به دنبال پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده در تاریخ ۱۶ تیر دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند که تا پرداخت نشدن حقوق خود به اعتصاب ادامه خواهند داد اما متأسفانه حقوق این کارگران تا به امروز پرداخت نشده و این کارگران مجدداً از روز سه شنبه ۲۹ تیر به دلیل پرداخت نشدن ۵ ماه از حقوق شان دست از کار کشیدند. این کارگران برای احقاق حقوق خود با فشاری

میکنند و اعلام کرده اند تا پرداخت نشدن حقوق به اعتصاب ادامه خواهند داد.

محدودیت های روزافزون برای روزنامه نگاران

برخی از روزنامه نگاران نشریات توقیفی به صورت غیر رسمی ممنوع القلم شده و از چاپ مطالب و مقالات آن ها در نشریات منطقه ای ممانعت به عمل می آید. معاونت فرهنگی اداره اطلاعات استان کردستان، پس از توقیف نشریاتی چون ناشستی، ناسو، روزنه لات، کرفتو، پیام مردم و ... به مدیران مسئول تعداد اندکی از نشریاتی که هم اکنون منتشر می گردند به صورت شفاهی دستور داده است که از چاپ مطالب و مقالات برخی از روزنامه نگاران نشریات توقیفی خودداری به عمل آورند. هم اکنون مطالب این روزنامه نگاران در نشریات موجود به چاپ نمی رسد و عملاً راه بر فعالیت آنان در این عرصه سد شده است.

اعتصاب کارگران در سد داریان پاوه

کارگران شرکت "پایاپ کوثر" که در سد داریان پاوه مشغول به کار هستند از تاریخ ۲۸ تیر دست به اعتصاب زده اند.

۵۰۰ نفر از کارگران شرکت پایاپ کوثر که در این سد مشغول به کار هستند به دلیل عدم دریافت ۴ ماه حقوق خود از تاریخ ۲۸ تیر دست به اعتصاب زده و تا امروز اعتصاب این کارگران همچنان ادامه داشته است. لازم به ذکر است که "سد داریان" در ۱۵ کیلومتری

شهرستان پاوه واقع شده است.

لقمان عبدالله زاده مقدم در زندان سنندج در انتظار اجرای حکم اعدام است



بنابه گزارشات رسیده لقمان عبدالله زاده مقدم به اتهام دروغین حمل مواد مخدر محکوم به اعدام شده است و در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می برد.

لقمان عبدالله زاده ۳۲ ساله ۶ ماه پیش با یورش مامورین به منزلش دستگیر و به اتهام داشتن مواد مخدر به آگاهی سنندج برده شد. بنابه گفته خانواده اش او تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفت تا وادار به اعتراف شود. سپس پرونده او به شعبه ۱ دادگاه انقلاب و عمومی سنندج منتقل شد. در آنجا محاکمه و محکوم به اعدام شد. او در جریان محاکمه از داشتن وکیل محروم بود.

بنابه گفته خانواده عبدالله زاده مقدم این اتهام نسبت داده شده دروغ می باشد و طرحی از پیش تعیین شده برای اعدام عزیزشان می باشد. لقمان عبدالله زاده مقدم پیش از این به اتهام قتل مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شده بود ولی پس از مدتی بازداشت به بی گناهی او

پی بردند و او را آزاد کردند و دستگیری مجدد او در این راستا می باشد و اتهام مواد مخدر نسبت داده شده برای توجیه عمل جنایتکارانه اعدام می باشد. او در انتظار اعدام بسر می برد. لقمان عبدالله زاده در حال حاضر در زندان سنندج زندانی است.

خانم آمنه مناف زاده ۴۵ ساله مدت کوتاهی پس از دستگیری همسرش لقمان عبدالله زاده با یورش مامورین وزارت اطلاعات به منزلشان به اتهام فعالیت های سیاسی علیه رژیم دستگیر و به سلولهای انفرادی وزارت اطلاعات در زندان ارومیه منتقل شد و پس از چند ماه بودن در سلولهای انفرادی به بند زنان زندان ارومیه منتقل شد و در حال حاضر در بلا تکلیفی بسر می برد.

تا به حال تعداد زیادی از زندانیان سیاسی تحت عنوان حمل مواد مخدر اعدام شده اند.

بلا تکلیفی افشین محمدی در زندانهای مخوف حکومتی

افشین محمدی اهل شهرستان مریوان مدتی پیش توسط نیروهای اداره اطلاعات این شهر دستگیر و سپس به تهران منتقل می شود. نامبرده پس از مدتی طولانی در زندان اوین، با تلاش وکیل خود به اداره اطلاعات سنندج و از آن جا به زندان مرکزی این شهر منتقل می گردد. روز سه شنبه این هفته نیز جهت دادگاهی به دادگستری سنندج منتقل و مجدداً به زندان باز گردانده می شود. از تاریخ دستگیری و اتهام وی خبری در دست نیست.

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Degrees @ A/NILESAT:AB Satellite West

10873:Freq

Vertical:Polarity

27,500:Symbol Rate

3/4:Fec



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تشبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام می‌دارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!